

نقش آموزش در توانمندسازی کارکنان دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبياء با رویکرد پیشگیری وضعی از جرم

آیت‌اله اسماعیلی^۱

چکیده

توانمندسازی از طریق آموزش بعنوان یک برنامه، کارکنان را قادر می‌سازد تا با ارتقا سطح فکری و عقلی خود علاوه بر بکارگیری موثر دانش و علم خود بتوانند از ورود به سمت جرم پیشگیری نمایند. توانمندسازی به معنی اشتیاق فرد برای پذیرش مسئولیت، واژه‌ای بود که اولین بار بطور رسمی به معنی پاسخگویی تفسیر شد. پیشگیری وضعی یا موضعی به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که جهت تسلط بر محیط و اوضاع پیرامونی مشرف بر جرم و نیز مهار آن انجام می‌شود، تا از این طریق افراد یا آماج‌ها (ثروت افراد و ...) را از بزهدیده‌ای محافظت شود؛ در این روش وضعیت فرد یا شرایط بیرونی (مکان، زمان و ...) تغییر داده می‌شود، تا از ارتکاب جرم پیشگیری شود. جرم‌شناسی پیشگیرانه ضمن بررسی عوامل وضعی و اجتماعی پدیده مجرمانه، با ارائه تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه سعی در پیشگیری از وقوع جرم دارد. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای انجام شده به آموزش و نقش آن در توانمندسازی کارکنان با استراتژی پیشگیری وضعی از جرم می‌پردازد؛ و به دنبال ترسیم این است که با آموزش کارکنان بتوانیم آنان را در امور کاری توانمندساز نموده و از جرائم احتمالی آنها، پیشگیری نمائیم. آنچه که می‌توان بعنوان یافته‌های تحقیق بدان اشاره نمود، نقش مهم آموزش کارکنان دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبياء در توانمندی‌های مهارتی و در نهایت پیشگیری از جرائم ناخواسته آنها در آینده است.

واژگان کلیدی: آموزش، توانمندسازی، پیشگیری وضعی، جرم

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبياء (ص) esmaciliayat4@gmail.com

مقدمه

امروزه یکی از کارهای لازم و ضروری، آموزش و تربیت افراد در حوزه‌های تخصصی و عمومی است، که یک بخش آن وظایف دولت‌ها، موسسات، شرکت‌ها و آموزش و پرورش و ... است و بخش دیگر آن، وظیفه مردم، کارکنان و کارمندان است، مسلماً با آموزش و یادگیری، تفکر و تدبیر و قوه خلاقیت افزایش می‌یابد و با افزایش آن، افراد توانمندتر می‌شوند و این توانمندی یک موقع جسمی خواهد بود و زمانی دیگر روحی و روانی؛ اما توانمندی جسمی معمولاً با ورزش و ریاضت‌های بدنی محقق می‌شود یا بعضاً با کسب بعضی مهارت‌های فنی؛ البته در بخش توانمندی روحی و روانی یک مرحله بالاتر می‌رویم و در این هنگام تلاش به شکل آموزش و یادگیری، تفکر، تخیل و ... رقم می‌خورد. در اهمیت موضوع نکته قابل طرح و بیان اینکه اکثر جرائم در اثر جهل و ناپختگی مردم و کارکنان رخ می‌دهد. در مبحث توانمندسازی می‌توان به مقالات بسیاری از جمله «عوامل موثر در توانمندسازی منابع انسانی، حامد محمدی» «توانمندسازی براساس راهبرد سرمایه اجتماعی، محسن نیازی و محمد کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۸» و «مقاله توانمندی چیست؟ فائزه موسوی، ۱۳۹۳» و در بخش آموزش نیز می‌توان به مقالات «آموزش کارکنان در سازمان، سیدمحمد پاکزادیان، ۱۳۸۷» و «مقاله نگرش بر آموزش با تاکید بر آموزش‌های دینی، سیدعلی حسینی‌زاده، ۱۳۹۴»، همچنین در بخش پیشگیری وضعی مقاله «بررسی مسئولیت‌گیری ناشی از اقدامات پیشگیرانه وضعی در فقه امامیه و حقوق ایران، اسماعیل رحیمی‌نژاد و احمدرضا غفاری، ۱۳۹۶» اشاره نمود. هدف اصلی این مقاله بیان نقش آموزش در توانمندسازی کارکنان با رویکرد پیشگیری وضعی است. فرضیه‌های قابل طرح: ۱- نقش آموزش در توانمندسازی افراد و کارکنان بسیار موثر است. ۲- با آموزش‌های حین خدمت کارکنان، توانمندی آنها قابل افزایش بوده و به دنبال آن از برخی جرائم می‌توان پیشگیری نمود.

۱۱۰

۱- تعریف مفاهیم

آموزش: یادگیری و آموزش، تنظیم رفتار است که از فعل و انفعال یا تأثیر متقابل موجود زنده با محیط خود ضمن رشد و تکامل نتیجه می‌شود (پاکزادیان، ۱۳۸۷).

توانمندسازی: در فرهنگ‌های لغت که شامل تفویض قدرت قانونی، تفویض اختیار کردن، مأموریت دادن و قدرت‌بخشی آمده است.

پیشگیری وضعی: پیشگیری به معنای جلوگیری کردن، ممانعت کردن و انجام دادن اقدامات احتیاطی، برای جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته است (معین، ۱۳۶۳: ۳۹۵). پیشگیری، یعنی اتخاذ و اعمال تدابیری درباره اوضاع و احوال ما قبل بزهکاری و بر هم زدن معادله جرم، پیشگیری وضعی یک پیشگیری بزه‌دیده مدار و پیشگیری اجتماعی بیشتر مجرم‌مدار است.

جرم: «هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون قابل مجازات باشد؛ جرم محسوب می‌گردد» (گلدوزیان، ۱۳۹۲).

۲- آموزش

پرفسور وودورت- روانشناس آمریکایی- آموزش و یادگیری را چنین تعریف می‌کند: آموزش آن نوع فعالیت فرد است که در فعالیتهای بعدی و آینده‌اش اثر می‌کند، در رفتار بعدی فرد اثر کرده آن را بهتر می‌کند و استعداد فرد را برای سازگاری با محیط افزایش می‌دهد. گیتز-روانشناس آمریکایی-یادگیری و آموزش را تعدیل در رفتار فرد از طریق آموزش و تمرین می‌داند.

گارت- روانشناس آمریکایی-می‌گوید: آموزش و یادگیری عملی است که ما بوسیله آن پاسخ‌های خود را در رفتارهای تازه، منظم و متشکل می‌سازیم. در واقع آموزش یک استراتژی است که با هدفی خاص و جهتی مشخص در طول زمان اجرا می‌گردد. در جریان آموزش معلومات در ذهن فرد جایگزین شده و با آگاهی‌های قبلی فرد تلفیق می‌شوند، و در نتیجه در رفتار و دید فرد تغییراتی مثبت بوجود می‌آید (پاکزادیان، پیشین). کلمه آموزش؛ در اصطلاح به چند معنا آمده است: ۱- تحریک و راهنمای یادگیری؛ ۲- هنر کمک کردن به یادگیری در دیگری؛ ۳- فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای دانش‌آموزان و دانشجویان، در داخل و خارج مدرسه، آسان سازد.

۱۱۱

گانیه، آموزش را «مجموعه‌ای از رویدادهای "به عمد ترتیب داده شده" که برای حمایت از فرایندهای درونی یادگیری، طراحی شده است» تعریف می‌کند. سیف، آموزش را هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده‌ای می‌داند که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۴).

بعد از تعاریف مختلفی که از اندیشمندان در مبحث آموزش بیان شد، اهمیت این امر مشخص گردید؛ البته مفهوم آموزش بسیار گسترده‌تر از تعاریف مطرح شده می‌باشد، که ما در ادامه به برخی دیگر از این تعاریف برای روشن شدن موضوع مورد بحث از آن بهره خواهیم برد.

۳- نظریه‌های یادگیری

پیشگیری یا جلوگیری کردن به معنی «پیش‌دستی کردن، پیش‌گرفتن و به جلوی چیزی رفتن» و یا به معنی «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است؛ آنچه به ذهن متبادر می‌شود، این است که انسان‌ها، کارکنان با آموزش یاد می‌گیرند و با این یادگیری، می‌توانند در راستای موضوع مورد بحث که توانمندی

^۱ معادل واژه انگلیسی Instruction یا Teaching است. این دو واژه در انگلیسی به معنای آموزش، تعلیم و تدریس آمده است.

کارکنان در برابر پیشگیری از جرم باشد، توفیقاتی کسب نمایند؛ هرچه این آموزش‌ها و یادگیری‌ها مهمتر باشد، در توانمندی آنها موثرتر است. تورنداک معتقد است: یادگیری فرایند آزمایش و خطا است وقتی یادگیرنده نیازی دارد، برای ارضای آن لازم است به یک محرک خاص پاسخ مناسب دهد در این موقع معمولاً یادگیرنده هریک از الگوهای مربوط به پاسخ‌های خود را آزمایش می‌کند، اگر تصادفاً یکی از این الگوها موثر واقع شود به احتمال بیشتر آن پاسخ تکرار خواهد شد و موجود زنده الگو و پاسخ‌های دیگر را فراموش می‌کند. به اعتقاد تورنداک، اگر برای موجود زنده رابطه بین یک محرک و پاسخ مربوط به آن رضایت‌بخش باشد این رابطه مستحکم‌تر می‌شود (قانون خوشی و رنج یا قانون اثر) (پاکزادیان، پیشین).

یکی از عناصر جرم، عنصر روانی است که معمولاً با فکر و آگاهانه تحقق می‌یابد؛ همانطور که در نظریه گشتالت، یادگیری و آموزش از راه فکر کردن در مورد مسأله‌ای تحقق می‌یابد؛ ما در پیشگیری وضعی به دنبال این هستیم که اندیشه و فکر مجرمانه نتواند به مرحله رفتار مجرمانه برسد، یعنی فکر است که به دنبال آن تحقق رفتار مجرمانه در پی خواهد داشت، آموزش تنظیم رفتار کارکنان و انسان‌ها را رقم می‌زند یعنی آنها را بگونه‌ای توانمند می‌سازد که به راحتی به سمت گناه و جرم نروند؛ و به نوعی پیشگیری وضعی از جرم را در پی خواهد داشت.

ورتایمر، کوفکا، کوهلر و لوتین، نظریه گشتالت را در امر آموزش و یادگیری مطرح کردند. آنها اعتقاد دارند فرایند یادگیری یک امر گشتالتی است و پدیده‌ای است شناختی، آنها به فرایندهای نظیر بینش، توجه خاص نشان می‌دهند. در نظریه مکتب گشتالت گفته می‌شود که ممکن است یادگیری و آموزش فقط بوسیله فکر کردن درباره یک مسئله به وقوع بپیوندد و از دید آنها یادگیری مستلزم تفکر و بصیرت است و ادراک و شناخت پایه یادگیری است. یادگیری و آموزش، تنظیم رفتار است که از فعل و انفعال یا تأثیر متقابل موجود زنده با محیط خود ضمن رشد و تکامل نتیجه می‌شود (همان).

۴- توانمندسازی^۱

تاریخ اولین تعریف از اصطلاح توانمندسازی به سال ۱۷۸۸م باز می‌گردد، که توانمندسازی را به مفهوم تفویض اختیار در نقش سازمانی خود می‌دانستند و این اختیار باید به شخص اعطا یا در نقش سازمانی او دیده می‌شد. توانمندسازی به معنی اشتیاق فرد برای پذیرش مسئولیت، واژه‌ای بود که اولین بار بطور رسمی به معنی پاسخگویی تفسیر شد. گرو (۱۹۷۱)؛ به تعاریف رایج توانمندسازی در فرهنگ‌های لغت که شامل تفویض

^۱ کلمه Empowerment از فعل Empower گرفته شده و به معنای دادن قدرت یا اختیار به شخصی برای انجام عملی است و بر توانمندسازی فردی دلالت دارد.

قدرت قانونی، تفویض اختیار کردن، مأموریت دادن و قدرت بخشی آمده است. در سال ۱۹۹۰م گاندز، توانمندسازی را با واگذاری اتخاذ تصمیم به کارکنان مفهوم سازی کرد، اما زایمرمن ۱۹۹۰ به سهل و ممتنع بودن ارائه تعریفی از آن اشاره کرده و معتقد است، تعریف توانمندسازی زمانی آسان است که آن را بدون در نظر گرفتن واژه‌هایی همچون درماندگی، بی‌قدرتی و بیگانگی بخواهیم مورد توجه قرار دهیم. لی (۲۰۰۱)؛ توانمندسازی را زمینه‌ای برای افزایش دیالوگ‌ها، تفکر انتقادی، فعالیت در گروه‌های کوچک دانسته و اشاره می‌کند که اجازه دادن به فعالیت‌هایی برای حرکت به فراسوی تسهیم، تقسیم و پالایش تجربیات، تفکر، دیدن و گفتگو اجزای اصلی توانمندسازی است (موسوی، ۱۳۹۳). در توانمندسازی که در آن ما نوعی فراهم کردن مسئولیت‌پذیری را می‌توانیم داشته باشیم مسلماً با آموزش، این امر بهتر تحقق می‌یابد، یکی از تکالیفی که به عهده دولت‌ها، موسسات، شرکت‌ها و هر مجموعه‌ای که با انسان‌ها در ارتباط می‌باشند، این است که درخصوص آموزش آنها اقدام نموده و از این طریق کارکنان و افراد خود را آشنا با قوانین و روش‌ها نموده و مانع ورود آنها از جرائم ناخواسته شده و پیشگیری از جرائم را به جامعه و افراد آن هدیه دهند.

از دیدگاه کانگر و کانگو، توانمندسازی فرایندی است که باعث ارتقای احساسات خودکامیابی در میان کارکنان سازمان می‌شود. توانمندسازی با رفتارهای نوآورانه، مدیریت و رهبری اثربخش، در ارتباط است و زمانی اتفاق می‌افتد که کارکنان به اندازه کافی آموزش دیده باشند، تمامی اطلاعات مربوط به کار فراهم شده ۱۱۳ باشد، ابزار ممکن در دسترس باشد ... (محمدی، ۱۳۸۸: ۴).

۵- عوامل موثر بر توانمندسازی

در توانمندسازی عوامل موثر بیشماری، شاید بتوان نام برد؛ اما در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آن را به چهار مورد از قبیل: ۱- توان ذهنی؛ ۲- توان جسمی؛ ۳- دانش؛ ۴- مهارت بیان نمود، که بطور مختصر هر یک را توضیح خواهیم داد.

۱) توانایی‌های هوشی و ذهنی: عبارت است از آنچه فرد برای کارهای فکری به آنها نیاز دارد. نوع شغل تعیین کننده میزان توانایی‌های هوشی فرد است. بطور کلی هر قدر کارمند در سلسله مراتب اداری مقام یا پست بالاتری را احراز کند، باید از نظر توانایی کلامی و میزان هوش در سطح بالاتری باشد، تا بتواند آن کار را به صورت موفقیت‌آمیزی انجام دهد (رابینز، ۱۳۷۸: ۱۳۰). این مسأله نقش ویژه مدیران، روسا و مسئولان را بیش از پیش در آموزش مجموعه و کارکنان متمایز می‌نماید.

چارلز هندی (۱۳۷۶)، تأکید می‌کند که ذکاوت تمرکز یافته (دانش فنی و توانایی به دست آوردن و بکار گرفتن دانش) منبع جدیدی از ثروت است و هدف توانمندسازی این است که مغزهای افراد را نیز مانند بازوان آنان بکار اندازد (هندی، ۱۳۷۶: ۳۹).

با توانمندسازی کارکنان در آموزش و آشنایی آنها با وظایف، اختیارات، قوانین موجود در واقع پیشگیری از ورود آنها در برخی عناوین مجرمانه می‌نمائیم؛ البته پیشگیری وضعی که یکی از انواع پیشگیری‌های غیرکیفری می‌باشد که تلاش در این نوع پیشگیری همانگونه که از نامش آشکار و پرواضح است، ایجاد وضعیتی که ریسک انجام جرم افزایش یابد، که این امر با توانمندی آموزشی آنها افزایش می‌یابد، برخی جهل خود و ندانستن را علت اصلی انجام جرم بیان می‌نمایند، که با این رویکرد دگر بهانه‌ای برای آنها متصور نخواهد بود.

۲) **توان جسمی:** توان جسمی عبارت است از تناسب بین توان فیزیکی و بدنی فرد با وظایف مربوط به هر شغل شامل مقاومت جسمانی، قد، وزن، سلامت مزاج، دید چشم، بویایی و شنوایی و غیره (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). عملکرد کارمندان هنگامی عالی خواهد بود که مدیریت سازمان بتواند متناسب با مهارت‌های موردنیاز برای انجام یک کار، فرد واجد شرایط برای انجام آن کار را تعیین کند (رابینز، پیشین: ۱۳۲).

۳) **دانش:** دانش عبارت است از اعتقاد و باوری که منجر به افزایش توان بالقوه پدیده‌ها برای اقدامات و تصمیمات اثربخش می‌شود. دانش عبارت است از ترکیبی منعطف و قابل تبدیل از تجارب، ارزش‌ها، اطلاعات معنی‌دار و بینش‌های متخصصان که چارچوبی را برای ارزیابی و انسجام اطلاعات و تجارب جدید ارائه می‌دهند (محمدی، پیشین: ۸).

به اعتقاد اسپریتزر، افرادی که دارای سطح تحصیلات بالاتری هستند، عموماً از چشم‌انداز شغلی بهتر، تحرک شغلی و فرصت‌های استخدامی گسترده‌تری برخوردارند و به همین دلیل دارای احساس شایستگی لازم برای انجام دادن وظایف محول شده می‌باشند و می‌توانند بر پیامدهای این وظایف، موثر واقع شوند و دارای وظایف معناداری نیز هستند. این شناخت‌ها باعث افزایش احساس توانمندی در افراد می‌گردد. آموزش و کسب دانش منجر به ایجاد تخصص در افراد می‌شود (همان، ۹-۸).

۴) **مهارت:** مهارت شامل کلیه توانایی‌های ابتدایی لازم است که انجام کار را در شرایط تعیین شده عملی می‌سازد (میرسپاسی، پیشین: ۱۱۳). عمدتاً سه حوزه مهارت شامل مهارت فنی، مهارت انسانی و مهارت ادراکی برای مدیران و کارکنان در نظر گرفته می‌شود. قدرت بکار بردن دانش، روش‌ها و ابزار که لازمه انجام وظایف خاص است و از طریق تجربه، تحصیل و کارآموزی کسب می‌گردد، مهارت فنی نامیده می‌شود. مهارت انسانی شامل توانایی کار به وسیله دیگران، ایجاد انگیزه و رهبری موثر است. منظور از مهارت ادراکی دارا

بودن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری به موقع و صحیح در زمینه مسائل سازمان است. لازمه به دست آوردن مهارت‌های ادراکی، آموزش، تجربه‌اندوزی و کسب دانش است (محمدی، پیشین: ۱۰). امروزه منشا اصلی مزیت رقابتی سازمان‌ها، برخورداری از نیروی انسانی کارآمد و توانا و مشارکتی است و فاصله میان جوامع، از حیث دانایی و نادانی است نه دارایی و ناداری، بنابراین دانایی و کیفیت منابع و نیروهای انسانی بعنوان مهمترین، با ارزش‌ترین و گرانبمایه‌ترین سرمایه و منبع یک سازمان، نقش عمده‌ای را در توسعه پایدار جامعه دارند (نیازی، ۱۳۸۸: ۲۲).

۶- مفهوم جرم

از نظر فقهای اسلامی: «جرم عبارت است از انجام دادن فعل، یا گفتن قول که قانون اسلامی آن را حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است یا ترک فعل یا قول که قانون اسلام آن را واجب شمرده و بر آن ترک، کیفری مقرر داشته است و این از آنجا نشأت گرفته که هر کس از اوامر و نواهی خدای تعالی سرپیچی کند، برای او کیفر و مجازاتی معین شده است (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۴).

در جرم‌شناسی، یعنی علمی که به علت‌های وقوع بزه و درمان اعمال مجرمانه می‌پردازد، جرم، علی‌الاصول به کلیه اعمال ضداجتماعی یا تنش‌هایی که جامعه را دستخوش آسیب می‌کند، خواه موجب آنها علت‌های روانی باشد یا اجتماعی، اطلاق می‌گردد (نوربها، ۱۳۹۲: ۱۳۴). در قلمرو حقوق جزا براساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: «هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون قابل مجازات باشد؛ جرم محسوب می‌گردد» (گلدوزیان، پیشین). در واقع جرم در حقوق جزا در محدوده قانون تعریف می‌گردد.

در زمینه علت‌شناسی جرم، نظریه‌های بنیادی انسان‌شناسی، زیست‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی مطرح گردیده که براساس هریک از این دیدگاه‌ها، نارسایی‌های جسمی، وراثت، اختلالات روانی، جامعه و عوامل وابسته به آن می‌توانند زمینه‌های مساعد مجرمیت را فراهم کنند (اسماعیلی، پیشین: ۱۴). در روایات اسلامی نیز به پیشگیری پرداخته شده است، مثال؛ امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید: «یک درهم که برای پیشگیری بیماری خرج شود بهتر از مبلغ زیادی است که برای درمان، به مصرف برسد» (همان). وقوع جرم همیشه بعنوان یک دغدغه و آسیب، گاهی بعنوان یک بیماری مطرح می‌شود و پیشگیری از آن هم به سبک‌ها و روش‌هایی مرسوم بوده است، که ما یکی از آن روش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم و آن هم پیشگیری وضعی است.

۷- مفهوم پیشگیری در جرم‌شناسی

پیشگیری از نظر ریشه‌شناسی: (به معنای پیشدستی کردن) به چیزی رفتن و نیز آگاه کردن و هشدار دادن است. در جرم‌شناسی، پیشگیری عبارت است از: به جلوی تبهکاری رفتن با استفاده از فنون گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری. از نظر علمی می‌توان گفت: مراد از پیشگیری هر فعالیت سیاست جنایی است که غرض انحصاری یا غیرکلی آن تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن‌الوقوع ساختن یا سخت و دشوار کردن احتمال وقوع آنهاست، بدون اینکه تهدید به کیفر یا اجرای آن متوسل شوند (صفاری، ۱۳۸۸: ۲۱).

پیشگیری در لغت به معنای عمل پیشگیر، دفع و جلوگیری، پیشگیری کردن به معنای دفع، جلوگیری کردن، مانع گشتن، منع کردن، به نگهداری برخاستن می‌باشد. «واژه پیشگیری امروزه در معنی جاری و متداول آن دارای دو بعد است: پیشگیری یا جلوگیری کردن هم به معنی «پیشدستی کردن، پیش گرفتن و به جلوی چیزی رفتن» و هم به معنی «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است؛ اما در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیش گرفتن از بزهکاری است اما از نظر علمی پیشگیری یک مفهوم منطقی- تجربی است که همزمان با تأملات عقلانی و مشاهدات تجربی ناشی می‌شود...» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۵۸۱).

۱۱۶

پیشگیری به معنای جلوگیری کردن، ممانعت کردن و انجام دادن اقدامات احتیاطی، برای جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته است (معین، پیشین: ۳۹۵). برخی جرم‌شناسان آن را رفتن به جلوی تبهکاری و ناهنجاری، به منظور ممانعت از وقوع بزه تعبیر کرده‌اند. برخی دیگر آن را مجموعه اقداماتی دانسته‌اند که در قالب شناسایی و ارزیابی خطر جرم و اتخاذ راهکارهای لازم برای جلوگیری از وقوع آن انجام می‌گیرد. سابقه فقهی اقدامات پیشگیرانه وضعی و ضمان ناشی از آن یکی از مواردی که در منابع فقهی و روایی مورد اشاره قرار گرفته است، گذاشتن سم یا کندن چاه در خانه یا ملک خود می‌باشد. شهید اول و شهید ثانی در این مورد چنین می‌نویسند: «اگر سم را در غذای خودش بریزد یا در ملک خود قرار دهد و دیگری بدون اذن او آن را بخورد، ضامن نمی‌باشد، خواه با ریختن سم قصد کشتن خورنده را داشته باشد، مانند اینکه بداند بیگانه‌ای مانند دزد وارد منزل او شده است یا چنین قصدی نداشته باشد و نیز اگر فردی با اذن او وارد خانه‌اش بشود، ولی بدون اذن وی اقدام به خوردن آن غذا بکند همین حکم را دارد، یا چاه عمیقی را در راه یا در خانه‌اش حفر کند که افتادن در آن غالباً کشنده است یا قصد کشتن داشته باشد و کسی را که از وجود آن بی‌خبر است، دعوت به عبور از روی آن نماید و او به چاه سقوط کرده، بمیرد (قتل عمد و مستوجب قصاص است) اما اگر بدون اذن او وارد خانه شود و در چاه افتد ضامن نیست، اگرچه قصد او از حفر چاه،

افتادن آن شخص در آن باشد، مثل اینکه به جهت دزد آن را کنده باشد» (رحیمی نژاد، ۱۳۹۶: ۳۵۲). از نظر کلارک، پیشگیری وضعی از جرم را بعنوان اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم، از طریق مدیریت یا مداخله در محیط، بلاواسطه به شیوه‌ای پایدار و سیستماتیک منجر به کاهش فرصت‌های جرم و افزایش خطرات جرم می‌شود.

۱-۷- سابقه قانونی اقدامات پیشگیرانه وضعی و ضمان ناشی از آن

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ در بخش موجبات ضمان به پیروی از روایات فقه‌های امامیه و با ذکر نمونه‌هایی چند از جمله کندن چاه یا قرار دادن چیز لغزنده طی مواد ۴۳، ۴۴، ۴۶ (قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱) و مواد ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۲ و ۳۴۴ قانون مجازات ۱۳۷۰ تا حدودی ضمان (مسئولیت) یا عدم ضمان عامل یا مسبب این اقدامات را پیش‌بینی کرده بود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۷-۸-۵۰۶ به مسئولیت یا عدم مسئولیت ناشی از این اقدامات اشاره کرده است (همان، ۳۵۴).

آموزش کارکنان، آنها را می‌تواند به نوعی توانمند نماید و شرایطی را فراهم نماید که کارکنان با پیش‌بینی و شناسایی و ارزیابی، خطر وقوع جرم را کاهش دهد. «اقدامات وضعی پیش‌گیرنده ناظر به اوضاع، احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهند این اوضاع و احوال که در جرم‌شناسی وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت‌های پیش‌جنایی نام دارند، فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کنند. بزه‌دیده یا آماج (سیبل) جرم جزء این وضعیت‌ها قلمداد می‌شود». در لایحه پیشگیری: پیشگیری از جرم عبارتند از؛ پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن (اسماعیلی، پیشین: ۱۹-۱۸). برخی حقوقدانان استفاده از اقدامات و ابزارهای پیشگیرانه وضعی را نوعی دفاع مشروع تلقی کرده و شرایط و ضوابط دفاع مشروع را بر آن بار می‌کنند و می‌گویند دفاع می‌تواند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم باشد. دفاع از طریق استفاده از وسایل و ابزارهای پیشگیرانه مثل حفر کردن چاه، نگهداشتن سگ در منزل، استفاده از کابل‌های برق و تله‌های انفجاری به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود. به عقیده این حقوقدانان حال بودن خطر مانعی برای نصب، آمادگی و زمانبندی این وسایل نمی‌باشد. چون حال بودن خطر به هنگام انجام عمل دفاعی معتبر است. پس چنانچه این وسایل و اقدامات برطبق شرایط و ضوابط مقرر در دفاع مشروع عمل کند، مشروع و در غیر این صورت نامشروع و ضمان‌آور خواهد بود (رحیمی نژاد، پیشین: ۳۵۵).

۲-۷- پیشگیری وضعی

در مباحث جرم‌شناسی و پیشگیری نو، بیشتر از پیشگیری وضعی (موضعی) و پیشگیری اجتماعی سخن می‌رود. پیشگیری وضعی یا موضعی به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که جهت تسلط بر محیط و اوضاع

پیرامونی مشرف بر جرم و نیز مهار آن انجام می‌شود، تا از این طریق افراد یا آماج‌ها (ثروت افراد و ...) را از بزه‌دیده‌ای محافظت شود؛ در این روش وضعیت فرد یا شرایط بیرونی (مکان، زمان و ...) تغییر داده می‌شود، تا از ارتکاب جرم پیشگیری شود. در پیشگیری وضعی توجه به وضعیت پیش از وقوع جرم است و تلاش می‌شود فرآیند گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه قطع شود (گذر از فکر گناه به عمل گناه) (اسماعیلی، پیشین: ۲۸). از نظر فنی و حقوقی پیشگیری وضعی را سلب «بزار» و «فرصت» ارتکاب جرم می‌دانند. برای ارتکاب جرم، اجتماع سه عامل لازم است که به آنها مثلث جرم گفته می‌شود. برای از بین بردن انگیزه مجرمانه ضروری است، تدابیر پیشگیرانه اجتماعی اتخاذ گردد. آنچه در پیشگیری وضعی از جرائم اولویت دارد، حفظ آماج‌ها و بزه‌دیدگان از تعرض مجرمان است. پیشگیری وضعی یعنی اتخاذ و اعمال تدابیری درباره اوضاع و احوال ما قبل بزه‌کاری و برهم زدن معادله جرم، پیشگیری وضعی یک پیشگیری بزه‌دیده مدار و پیشگیری اجتماعی بیشتر مجرم‌مدار (رضائیان، ۱۳۸۲: ۱۰۲). هنر اصلی در پیشگیری وضعی، توانایی اعمال مدیریت، طراحی و مداخله در تغییر محیط است و در آن تلاش می‌شود کاری صورت گیرد، که مجرم برای ارتکاب نیازمند تلاش بیش از گذشته باشد، فنونی بکار رود، که ارتکاب جرم را پرخطر سازد و جذابیت‌ها و لذت‌ها را کاهش دهد (همان). این توانایی با آموزش‌هایی که انجام می‌شود در پیشگیری از جرائم نقش موثر و مفیدی دارد بطوریکه بعد از مدتی، یک نوع توانمندی در کارکنان و افراد در برابر ترک تخلفات و جرائم آنها شاهد خواهیم بود.

۱۱۸

۷-۳- مفهوم اقدامات پیشگیرانه وضعی

پیشگیری وضعی به مجموعه تدابیر و اقدامات مبتنی بر تقویت سیبیل‌ها و آماج‌های جرم و یا مداخله در اوضاع و احوال پیش‌جنایی گفته می‌شود که دولت و یا ملت با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم مورد استفاده قرار می‌دهد. رونالد کلارک، که مبتکر تئوری پیشگیری وضعی از جرم است، در تعاریف این نوع پیشگیری می‌گوید: «پیشگیری وضعی از جرم به یک رویکرد پیشگیرانه‌ای اشاره دارد که نه بر توسعه جامعه و نهادهای آن، بلکه صرفاً بر کاهش موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتكابی جرم مبتنی است ...» (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۱۵-۱۱۴).
پیشگیری وضعی اقدامات پیشگیرانه مبتنی بر کاهش فرصتی را شامل می‌شود که: (۱) مستقیماً متوجه اشکال خاصی از جرم است؛ (۲) متضمن مدیریت، طراحی یا تسلط بر محیط (و پیرامونی جرم) یعنی صحنه و محل وقوع جرم به شیوه‌ای پایدار و فنی‌تر تا حد امکان است؛ (۳) به منظور افزایش زحمات و خطرات ارتکاب جرم و کاهش منافع آنکه مدنظر بسیاری از بزه‌کاران است، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Hughes, 1998: 60).

در این نوع پیشگیری دو جهت‌گیری عمده وجود دارد: (۱) مداخله در اوضاع و احوال پیش‌جنایی (پیشگیری وضعی بزه‌کارشناختی)؛ (۲) تقویت سیبل‌ها و آماج‌های جرم، یعنی اقداماتی که از بزه‌دیدگی اشخاص جلوگیری می‌کند (پیشگیری وضعی بزه‌دیده شناختی).

تکنیک‌ها و رهیافت‌های پیشگیری وضعی براساس تعریف کلارک، به چهار گروه عمده تقسیم می‌شود که عبارتند از: رهیافت‌های مبتنی بر افزایش زحمات ارتکاب جرم، تقلیل دستاوردها و منافع حاصل از بزه، حذف معاذیر و از بین بردن عوامل مشوق و محرک فرد (رحیمی‌نژاد، پیشین: ۱۲۴). این نوع پیشگیری به لحاظ نظری مبتنی بر تئوری‌های بنیانگذاران جرم‌شناسی مدیریتی است که از مهمترین آنها می‌توان به تئوری «فضای قابل دفاع» اسکار نیومن و تئوری «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» جفری و تئوری «انتخاب عقلانی» کورنیک و کلارک و تئوری «فعالیت روزمره» کوهن و فلسون اشاره کرد (همان، ۱۰۶-۱۰۵). پیشگیری فردی از جرائم زمانی اعمال می‌شود که جرم صورت گیرد و به دنبال جلوگیری از تکرار جرم باشیم. بخش مهمی از نهی از منکر از جرم، با نهی گناهکار از ارتکاب آن جلوگیری می‌کند. پیشگیری وضعی به این معناست که قبل از جرم باید کاری کرد که مجرم از ارتکاب جرم منصرف شود. مثل نصب دزدگیر ماشین و خانه (همان). در توانمندسازی ما با آموزش‌هایی که کارکنان تحت امر خود را پوشش می‌دهیم در واقع به نوعی باعث پیشگیری از ارتکاب جرم توسط دیگران در رابطه با وظایف او خواهیم بود و ۱۱۹

از طرفی با آموزش، آنها را با شیوه‌های مختلفی که ممکن است او را در معرض جرم و انحراف قرار دهند، آشنا می‌کنیم (ریمون، ۱۳۸۸: ۸۴)؛ اکثر مواقع جرم و انحراف و تخلف در سایه جهل، ناآگاهی، سهل‌انگاری رخ می‌دهد که با توانمندسازی آموزشی تا حدود زیادی این آسیب مرتفع می‌گردد. نظریه‌پردازان پیشگیری وضعی، از جمله شیوه‌های پیشگیری وضعی را حذف یا کاهش جذابیت وسایل تحریک‌آمیز و همچنین از بین بردن عواملی که سبب تحریک یا تشویق فرد بزه‌کار می‌شود، می‌دانند (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۵).

درخصوص پیشگیری وضعی می‌توان گفت اگر به هر شکل بتوان خطرپذیری جرم را افزایش داد یا جاذبه و منفعت حاصل از آن را کاهش داد یا از بین برد، قاعدتاً مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم منصرف می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، پیشین: ۲۸۵). توانمند نمودن کارکنان آن هم با آموزش‌های حین خدمت چه تخصصی چه درخصوص آشنایی آنها با روش‌هایی که آنها را از خطرات احتمالی در مسئولیت و کار حفظ نماید از عمده مسائل مهمی است که می‌تواند مدیران و مسئولان دلسوز را در ارتقای کاری و نیروی انسانی کارآمد یاری دهد (بیک‌زاده مرزبانی و سوری، ۱۳۸۵: ۳۹).

نتیجه‌گیری

امروزه منشا اصلی مزیت رقابتی سازمان‌ها، برخورداری از نیروی انسانی کارآمد و توانا و مشارکتی است و فاصله میان جوامع و افراد آن، از حیث دانایی و نادانی است نه دارایی و ناداری؛ ما در این مقاله بعد از اینکه به تعاریف مفاهیم مهم اشاراتی نمودیم در هر مورد بطور خاص مطالبی را از قول دانشمندان و صاحب‌نظران آن بیان داشتیم، آموزش را از قول گارت- روانشناس آمریکایی- عملی که ما بوسیله آن پاسخ‌های خود را در رفتارهای تازه منظم و متشکل می‌سازیم، تعریف نمودیم. توانمندسازی، طراحی و ساخت و سازمان بنحویکه افراد ضمن کنترل خود، آمادگی پذیرش مسئولیت‌های بیشتری را نیز داشته باشند، تعریف شد و پنج بعد کلیدی آن «۱- احساس خود اثربخشی یا شایستگی؛ ۲- احساس خودسامانی؛ ۳- پذیرفتن شخصی نتیجه؛ ۴- معنی دار بودن؛ ۵- اعتماد» بودند. در پیشگیری وضعی توجه به وضعیت پیش از وقوع جرم است و تلاش می‌شود فرآیند گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه قطع شود. پیشگیری وضعی اقدامات پیشگیرانه مبتنی بر کاهش فرصتی را شامل می‌شد که: ۱- مستقیماً متوجه اشکال خاصی از جرم است؛ ۲- متضمن مدیریت، طراحی یا تسلط بر محیط (و پیرامونی جرم)؛ ۳- مورد استفاده به منظور افزایش زحمات و خطرات ارتکاب جرم و کاهش منافع آن.

عوامل موثر در توانمندی را چهار عامل مهم: ۱- توان جسمی؛ ۲- توان ذهنی و روانی؛ ۳- دانش؛ ۴- مهارت برشمردیم، در واقع آموزش بر ارتقا این عوامل موثر است یعنی می‌توان با آموزش‌های ورزشی و رزمی توان جسمی افراد و کارکنان را افزایش داد، وقتی جسم قوی شود در برابر جرائم جسمی که ممکن است به کارکنان و انسان‌ها آسیبی وارد شود به نوعی پیشگیری وضعی انجام دادیم. در مقوله توان ذهنی و روانی هم می‌توان با آموزش‌های حضوری، مکاتبه‌ای و مجازی به نوعی کارکنان و افراد را توانمند سازیم تا به راحتی و بر اثر سادگی دچار فریب و جرم نشوند. امروزه دانش آموختن آن هم در برخی حوزه‌های عمومی موردنیاز همه می‌باشد با انجام کارگاه‌های دانش‌افزا می‌توانیم به نوعی دیگر کارکنان و افراد را در برابر پیشگیری از جرم توانمند سازیم؛ در نهایت مهارت‌آموزی کارکنان چه در حوزه تخصصی و چه عمومی (از قبیل تحمل همکاران، صبر در برابر شداید، آموزش رایانه، آشنایی مختصر در مورد فضای مجازی و شگردهای کلاهبرداری نوین در این عرصه) آنها را به نوعی در برابر اکثر جرائم توانمند و قوی می‌سازد. پیشنهادات را می‌توان بطور مختصر و خلاصه به موارد ذیل برشمرد: ۱- آموزش‌های ورزشی و رزمی کارکنان و افراد و تشویق نمودن آنها؛ ۲- مطالعه عمومی، تخصصی، ارتقا سطح علم و تحصیل (ارائه آموزش‌های حین خدمت، در راستای پیشگیری از جرم باتوجه به تهدید و جرائم نوین و توانمندسازی دائم کارکنان)؛ ۳- سطح دانش کارکنان را همواره به روز نگه داریم؛ ۴- مهارت‌آموزی و حرفه‌آموزی را در برنامه‌ها پیش‌بینی نمائیم از قبیل مهارت آشنایی با رایانه و فضای مجازی.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اسماعیلی، آیت‌اله (۱۳۹۵)، *پیشگیری از جرائم جنسی از منظر آموزه‌های اسلام*، تهران: نشر پژوهش پارسی.
- ۲- بیک‌زاده مرزبانی، ناصر و سوری، حسن (۱۳۸۵)، «مدل راهبردی مدیریت دانش در توانمندسازی و توسعه پایدار منابع انسانی»، *هفتمین کنفرانس بین‌المللی مدیران کیفیت*.
- ۳- پاکزادیان، سیدمحمد (۱۳۸۷)، «آموزش کارکنان در سازمان»، *مجله پژوهش‌های فرهنگی*، س ۲، ش ۶.
- ۴- حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۴)، «نگرش بر آموزش با تاکید بر آموزش‌های دینی»، *هفتمین کنفرانس بین‌المللی مدیران کیفیت*.
- ۵- رایبیز، استیفن (۱۳۸۷)، *رفتار سازمانی*، مترجم: علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۶- رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۹۴)، *جرم‌شناسی*، چ ۴، تبریز: انتشارات فروزش.
- ۷- رحیمی‌نژاد، اسمعیل و غفاری، احمدرضا (۱۳۹۶)، «بررسی مسئولیت کیفری ناشی از اقدامات پیشگیرانه وضعی در فقه امامیه و حقوق ایران»، *نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی*، س ۵۰، ش ۲.
- ۸- رضائیان، علی (۱۳۸۲)، *مبانی سازمان و مدیریت*، چ ۵، تهران: انتشارات سمت.
- ۹- ریمون، گسن (۱۳۸۸)، *جرم‌شناسی کاربردی*، مترجم: مهدی کی‌ینا، تهران: انتشارات یزدان.
- ۱۰- صفاری، علی (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری وضعی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۳۳-۳۴.
- ۱۱- صفاری، علی (۱۳۸۸)، «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۳۳-۳۴.
- ۱۲- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲)، *محشای قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)*، تهران: انتشارات مجد.
- ۱۳- محمدی، حامد (۱۳۸۸)، «عوامل موثر در توانمندسازی منابع انسانی»، *مجله تعاون*، س ۲۰، ش ۲۰۵.
- ۱۴- معین، محمد (۱۳۶۳)، *فرهنگ فارسی*، ج ۱، چ ۲۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵- موسوی، فائزه (۱۳۹۳)، «توانمندی چیست؟»، *مجله تحقیقات حقوقی*.
- ۱۶- میرسپاسی، ناصر (۱۳۸۴)، *مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار*، تهران: انتشارات میر.
- ۱۷- هندی، چارلز (۱۳۷۶)، *خدایان مدیریت*، مترجم: کهزاد آذرهوش، تهران: انتشارات فرا.
- ۱۸- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۲)، «تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق*، مجتمع آموزش عالی قم.
- ۱۹- نوربها، رضا (۱۳۹۲)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۲۰- نیازی، محسن (۱۳۸۸)، «توانمندسازی براساس راهبرد سرمایه اجتماعی»، *مجله تدبیر*، ش ۲۰۳.

لاتین:

21- Hughes, Godon (1998). understanding crime prevention. Buckingham, Philadelphia, open university press.

